



Geopolitical Implications of the Expansion of Türkiye's Military Relations with the Central Asian Republics for the Defense Policy of the Islamic Republic of Iran

Seyed Kazem Amini Ziabari

PhD Graduate, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: skazemamini@gmail.com

Abstract

The expansion of military and defense cooperation between Türkiye and the Central Asian republics in recent years has introduced significant structural and competitive transformations into the geopolitical environment surrounding the Islamic Republic of Iran. This study aims to examine the geopolitical implications of Ankara's expanding military engagement with the regional states for Iran's defense policy and to propose appropriate strategic approaches for managing the resulting security dynamics. The research adopts a mixed-methods approach using a descriptive-analytical design. Qualitative data were collected through semi-structured interviews with 64 experts and analyzed using thematic coding in MAXQDA, while quantitative data were processed through descriptive indices and inferential statistical analyses. The findings indicate that Türkiye, by leveraging its technological capabilities, defense exports and assembly of military equipment, the concept of the *Army of Turan*, and the establishment of Turkic-centered security mechanisms, seeks to consolidate its position as a leading regional military power while diminishing the influence of Iran, Russia, and China in Central Asia. In contrast, Iran's approach is primarily based on intelligence cooperation, counterterrorism efforts, the security control of transit corridors, and the strengthening of indigenous defense industries. The results further confirm the persistence of strategic divergences between the two countries in such areas as Türkiye's support for NATO, the regional arms competition, and the formation of parallel security arrangements. Overall, the study concludes that the emergence of a new geopolitical balance in Central Asia necessitates the activation of Iran's military diplomacy, the expansion of multilateral defense partnerships, the promotion of joint defense production, and the enhancement of regional security mechanisms to contain the growing influence of competing actors.

Keywords: Geopolitics; Central Asia; Türkiye; Islamic Republic of Iran; Regional Security.



بررسی تبعات ژئوپلیتیکی توسعه روابط نظامی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی بر سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران

سید کاظم امینی ضیابری

دانش آموخته مقطع دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

Email: skazemamini@gmail.com

چکیده

گسترش همکاری‌های نظامی و دفاعی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی در سال‌های اخیر، محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را با دگرگونی‌های ساختاری و رقابتی مواجه کرده است. این پژوهش با هدف تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی توسعه روابط نظامی آنکارا با دولت‌های منطقه برای سیاست دفاعی ایران و ارائه راهبردهای مناسب جهت مدیریت این وضعیت انجام شده است. مطالعه حاضر با رویکرد آمیخته و روش توصیفی-تحلیلی اجرا گردید؛ داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۶۴ تن از صاحب‌نظران گردآوری و با روش کدگذاری مضمون‌محور در MAXQDA تحلیل شد و داده‌های کمی نیز با استفاده از آزمون‌های آماری استنباطی و شاخص‌های توصیفی پردازش گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیه با اتکا به ظرفیت‌های فناورانه، صادرات و مونتاژ تجهیزات نظامی، ایده ارتش توران و ایجاد سازوکارهای امنیتی ترک‌محور، در پی تثبیت جایگاه خود به‌عنوان قدرت نظامی برتر و کاهش نفوذ ایران، روسیه و چین در آسیای مرکزی است. در مقابل، رویکرد ایران بر همکاری اطلاعاتی، مقابله با تروریسم، کنترل امنیتی مسیرهای ترانزیتی و تقویت صنایع دفاعی بومی استوار است. نتایج همچنین وجود تضاد منافع پایدار میان دو کشور در حوزه‌هایی مانند حمایت ترکیه از ناتو، رقابت تسلیحاتی و ایجاد بلوک‌های امنیتی موازی را تأیید می‌کند. براساس جمع‌بندی نهایی، شکل‌گیری موازنه‌ای جدید در آسیای مرکزی مستلزم فعال‌سازی دیپلماسی نظامی ایران، توسعه مشارکت‌های دفاعی چندجانبه، تقویت تولید مشترک تجهیزات و ارتقای سازوکارهای منطقه‌ای برای مهار نفوذ بازیگران رقیب است.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، آسیای مرکزی، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه‌ای

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در فضای ژئوپلیتیک اوراسیا، همواره در پی تثبیت جایگاه راهبردی خود در برابر تحولات پویای محیط امنیتی پیرامونی بوده است. در این میان، گسترش همکاری‌های نظامی و دفاعی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی در دهه‌های اخیر، چالش‌های ساختاری جدی را برای سیاست دفاعی ایران ایجاد کرده است (امینی ضیابری، ۱۴۰۴). این رقابت، تنها محدود به ابعاد اقتصادی یا ترانزیتی نمانده، بلکه به صورت آشکاری در حوزه‌های فناوری نظامی، فروش تسلیحات، رزمایش‌های مشترک، و حتی تأسیس خطوط تولید سلاح‌های پیشرفته، همان‌گونه که در تاجیکستان و قزاقستان مشاهده شده، خود را نشان داده است (رضایی، ۱۴۰۰: ۲۱۹). این تحولات در چهارچوب سیاست «عمق استراتژیک» ترکیه شکل گرفته است؛ رویکردی که از طریق بازتعریف نقش ترکیه از یک کشور منطقه‌ای به یک قدرت فرابخشی، در پی بازگشت به «فضای طبیعی» خود در آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه است (داووداوغلو، ۱۳۹۱: ۶). این سیاست، با بهره‌گیری از پیوندهای زبانی، تاریخی و فرهنگی، تلاش می‌کند تا نفوذ ترکیه را در این منطقه ژئواستراتژیک تثبیت کند (Balci & Liles, 2018: 15). در مقابل، جمهوری اسلامی ایران رویکردی مبتنی بر «واگرایی راهبردی» را در پیش گرفته است که بر استقلال سیاسی، مقاومت در برابر تحریم‌ها و پرهیز از هم‌پیمانی با بلوک‌های مسلط غربی تأکید دارد (حافظنیا، ۱۴۰۱: ۱۱۲).

آسیای مرکزی، با دارا بودن ذخایر گسترده انرژی، موقعیت راهبردی در مسیر کریدورهای ترانزیتی و جمعیت جوان و پویا، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است (Spykman, 1942 به نقل از حافظنیا، ۱۴۰۱: ۴۷). پس از فروپاشی شوروی، این منطقه به صحنه‌ای برای رقابت غیرمستقیم میان بازیگرانی چون روسیه، چین، ایالات متحده، و اخیراً ترکیه و ایران تبدیل شده است (نورزاد و خرمی، ۱۴۰۱: ۱۱۸). در این رقابت، ترکیه با سرمایه‌گذاری در بخش‌های نظامی و فرهنگی، از جمله تأسیس دانشگاه‌هایی مانند «احمدیسوز» در قزاقستان، موفق شده است نفوذ خود را به سرعت گسترش دهد (Korkut, 2016: 96).



این گسترش منجر به کاهش فضای نفوذ ایران در حوزه‌هایی مانند بازار تسلیحات، همکاری‌های مرزی و دیپلماسی فرهنگی شده است (فرهادی، ۱۴۰۱: ۸۵). هم‌زمان، ایران با محدودیت‌های ساختاری متعددی، از جمله ضعف در روابط اقتصادی دوجانبه، مسائل حقوقی در بهره‌برداری از دریای خزر، و فقدان هماهنگی بین‌بخشی در سیاست خارجی مواجه است. در این شرایط، تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی به تدریج از یک رقابت منطقه‌ای به یک درگیری ساختاری تبدیل شده است؛ درگیری‌ای که ابعاد نظامی، فرهنگی، تمدنی و ژئواکونومیک دارد.

در این زمینه، سؤال اصلی این پژوهش این است: «راهبردهای دفاعی مناسب جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به تبعات ژئوپلیتیکی توسعه روابط نظامی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی چیست؟» پاسخ به این پرسش مستلزم شناخت دقیق از دینامیک‌های رقابت ژئوپلیتیکی، شناسایی نقاط قوت و ضعف نسبی ایران، و تدوین راهبردهایی است که هم‌زمان از قدرت نرم (فرهنگ، دانشگاه، اقتصاد) و قدرت سخت (نظامی، امنیتی) بهره‌برد (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: Davutoğlu, 2010).

۱. پیشینه پژوهش

مجید استوار و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «نقش قدرت نمادین در روابط خارجی ترکیه و آسیای مرکزی»، بیان نموده‌اند که از اواخر دهه ۱۹۹۰، ترکیه تلاش کرد ایدئولوژی پان‌ترکیسم را در کشورهای آسیای مرکزی ترویج دهد؛ اما مخالفت این کشورها باعث شد که این سیاست کنار گذاشته شود. در ادامه، آنکارا با تکیه بر گفتمان نوعثمانی‌گرایی و اسلام‌گرایی، اختلافات با همسایگان را کاهش داد و هم‌زمان همکاری‌های اقتصادی، نظامی و اجتماعی خود را با جمهوری‌های آسیای مرکزی گسترش داد تا به اهداف استراتژیکش دست یابد. با این حال، احیای ملی‌گرایی روسی و نفوذ پر قدرت روسیه در منطقه، همراه با ورود بازیگران فرامنطقه‌ای و افزایش فرصت‌های متنوع، سبب شده است که ترکیه نتواند

به‌طور کامل از قدرت نمادین خود برای تسلط بر منطقه بهره‌برداری کند و نقش آن عمدتاً به همکاری‌های اقتصادی و نظامی محدود شده است (استوار و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۵).

مقاله‌ای با عنوان «بخش دفاع و همکاری‌های نظامی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی: محدودیت‌ها و چشم‌اندازها در سایه تشدید رقابت منطقه‌ای و جهانی» در نشریه تحلیل دفاع و امنیت (انتشارات روتلج)^۱ منتشر شده، روند گسترش همکاری‌های نظامی و دفاعی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی را بررسی می‌کند. نویسندگان نشان می‌دهند که صنایع دفاعی ترکیه، به‌ویژه تولید و صادرات پهپادها و سلاح‌های سبک، در چهارچوب «ادغام ترکیک»^۲ و از طریق نهادهایی مانند سازمان کشورهای ترک به ابزاری کلیدی برای نفوذ سیاسی-امنیتی آنکارا بدل شده است. یافته‌های مقاله بیان می‌کند که اگرچه این همکاری‌ها در بخشی موجب افزایش توان نظامی و استقلال نسبی این جمهوری‌ها از روسیه شده، اما هم‌زمان زمینه رقابت امنیتی میان بازیگران منطقه‌ای را نیز تشدید کرده است. بااین‌حال، مقاله تأثیر مستقیم این روند بر سیاست دفاعی ایران را به‌طور مفصل مورد بررسی قرار نداده است (استوار و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۸؛ Sönmez & Batu, 2024: 45).

گزارشی با عنوان «روابط ترکیه و آسیای مرکزی: یک مرور راهبردی» که در سال ۲۰۲۰ توسط مؤسسه انتشاراتی «دانشگاه نیر ایست»^۳ در قبرس شمالی منتشر شده است، تصویری جامع از روابط ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی ارائه می‌دهد. در این گزارش توضیح داده می‌شود که ترکیه پس از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، در ابتدا بیشتر بر هویت مشترک و همکاری‌های اقتصادی تمرکز داشت، اما از دهه ۲۰۱۰ به بعد، بُعد نظامی و امنیتی روابط نیز پررنگ‌تر شده است. نویسندگان گزارش به‌طور خاص به توافقات آموزش نظامی،

1. Defense & Security Analysis (Routledge)

۲. «ادغام ترکیک» مفهومی در سیاست خارجی ترکیه است که بر ایجاد همگرایی میان کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی و قفقاز با محوریت آنکارا استوار است. این چهارچوب، علاوه بر ابعاد فرهنگی و اقتصادی، همکاری‌های دفاعی و نظامی را نیز شامل می‌شود و به ابزاری برای تقویت نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه بدل شده است.

3. Near East University



فروش پهبادها و ایجاد چهارچوب‌های امنیتی اشاره کرده‌اند. در عین حال تصریح می‌کنند که این روند می‌تواند موازنه سنتی قدرت در منطقه، به‌ویژه در برابر روسیه و چین را تغییر دهد و بر منافع کشورهای همسایه از جمله ایران اثرگذار باشد، هرچند تحلیل مستقیمی از سیاست دفاعی ایران در این اثر ارائه نشده است (مؤسسه نیر ایست، ۲۰۲۰: ۱۷؛ امینی ضیابری، ۱۴۰۴: ۲۲۱).

پیمان کاویانی‌فر در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و ترکیه در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی»، ثبات در محیط امنیتی آسیای مرکزی را با تحلیل مؤلفه‌های ملی‌گرایی، دولت‌سازی، چالش‌های منطقه‌ای و نقش قدرت‌های خارجی بررسی می‌کند. سپس به بررسی علایق نظامی-امنیتی ایران و ترکیه در این منطقه می‌پردازد و فرصت‌هایی را برای نقش‌آفرینی ایران در قالب همکاری‌های امنیتی، استفاده از مرزها و خطوط مواصلاتی و نیز تأثیرات فرهنگی بر امنیت داخلی نشان می‌دهد (کاویانی‌فر، ۱۴۰۱: ۳۰۴).

مهناز گودرزی در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی (امکان‌سنجی روابط راهبردی دو کشور بر مبنای مدلی تطبیقی)» در سال ۱۳۹۶ به بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی می‌پردازد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ترکیه با بهره‌گیری از اشتراکات هویتی و فرهنگی، فرصت‌هایی برای نفوذ در منطقه ایجاد کرده و ایران نیز با استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و منابع طبیعی، تلاش داشته جایگاه خود را تثبیت کند (امینی ضیابری، ۱۴۰۴: ۴۸).

۲. مفهوم‌شناسی

ژئوپلیتیک: ترکیبی از دو واژه یونانی «ژئو» (زمین) و «پولیتیک» (سیاست) است و به مطالعه تأثیر عوامل جغرافیایی، اعم از طبیعی، انسانی و فناورانه، بر سیاست، راهبردهای کلان و رفتار نظامی-امنیتی کشورها می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۲۳). این علم رابطه متقابل میان جغرافیا و قدرت را تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه موقعیت سرزمینی، منابع طبیعی، مرزها، اقلیم و مسیرهای استراتژیک، بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و استراتژیک دولت‌ها تأثیر

می‌گذارند (Flint, 2022: 18). در این پژوهش، ژئوپلیتیک به عنوان چهارچوبی تحلیلی برای شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و پیامدهای راهبردی در تعاملات ایران، ترکیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی تعریف می‌شود.

تبعات ژئوپلیتیکی: پیامدهای مثبت یا منفی ناشی از کنش یک بازیگر در فضای جغرافیایی مورد علاقه‌اش هستند که معمولاً با گسترش قلمرو ژئوپلیتیک رقبا همراه می‌شوند. این تبعات جنبه عملی یافته و بر موازنه منطقه‌ای، امنیت ملی و جایگاه استراتژیک کشور تأثیر مستقیم دارند.

تضاد منافع ژئوپلیتیکی^۱: شرایطی است که در آن، دولت‌ها بر سر منابع، موقعیت استراتژیک یا نفوذ در مناطق تحت تأثیر همدیگر رقابت می‌کنند و منافع آن‌ها در حوزه‌های ژئوپلیتیکی متقاطع می‌شود. این تضاد، نه یک برخورد خصمانه مطلق، بلکه یک تعامل پیچیده، چندلایه و پویا محسوب می‌شود که می‌تواند هم رقابت و هم همکاری را در پی داشته باشد. منابع جغرافیایی: منابع جغرافیایی و ویژگی‌های منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری همکاری‌ها یا منازعات بین کشوری ایفا می‌کنند. هنگامی که استقلال، تمامیت ارضی، امنیت ملی یا ارزش‌های بنیادین یک کشور با موقعیت جغرافیایی و سیاست‌های سایر کشورها در تقابل قرار گیرد، زمینه رقابت بر سر منابع ژئوپلیتیک فراهم می‌شود. چنین منازعاتی، عمدتاً حول منابعی شکل می‌گیرند که هم ارزش استراتژیک و هم اهمیت جغرافیایی دارند (کریمی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۷؛ Morghan, 2002).

نفوذ در ژئوپلیتیک: به توانایی یک بازیگر برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتار دیگر کشورها بدون استفاده مستقیم از زور اشاره دارد. این نفوذ از طریق دیپلماسی، اقتصاد، فرهنگ یا قدرت نرم اعمال شده و به حفظ یا تغییر موازنه قوا کمک می‌کند. نفوذ استراتژیک

۱. محقق برای تعریف تبعات ژئوپلیتیک، با مراجعه به چند خبره عضو هیئت علمی دانشگاه‌های کشور این حوزه (دکتر عراقچی عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل و وزیر امور خارجه ج.ا.ایران، دکتر بیک عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، دکتر رضایی عضو هیئت علمی دانشگاه پدافند هوایی) تعریف فوق را احصا نموده است.



ابزاری کلیدی در سیاست خارجی برای دستیابی به اهداف ملی محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۴۰۳: ۲۸).

راهبرد دفاعی: مجموعه‌ای از سیاست‌ها و تصمیمات کلان است که با هدف تضمین امنیت ملی، حفظ تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی تدوین می‌شود. این راهبرد مبتنی بر تحلیل دقیق محیط امنیتی، شناخت تهدیدها و فرصت‌ها و بهره‌گیری هماهنگ از ظرفیت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی برای افزایش توان بازدارندگی و دفاع است (نوری، ۱۴۰۱: ۲۳).

بازی بزرگ: چهارچوبی تاریخی و تحلیلی برای درک رقابت قدرت‌ها در مناطق حساس ژئوپلیتیکی است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آسیای مرکزی، با منابع غنی انرژی، معادن استراتژیک و موقعیت ترانزیتی بین اروپا و آسیا، به محور «بازی بزرگ جدید» تبدیل شد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۸۷؛ Cooley, 2012). در این چهارچوب، بازیگران از طریق دیپلماسی، قدرت نرم، همکاری‌های نظامی و پروژه‌های اقتصادی-ترانزیتی، درصدد تثبیت نفوذ خود در نظم منطقه‌ای هستند. ترکیه با تکیه بر اشتراکات تاریخی، زبانی و فرهنگی، گفتمان پان‌ترکیسم، سازمان کشورهای ترک و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ترانزیتی، نقش فعالانه‌ای در این رقابت ایفا می‌کند. ایران نیز با پیوندهای تمدنی و موقعیت راهبردی بین آسیای مرکزی و خلیج فارس، در معرض فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی متعددی قرار دارد. در این پژوهش، مفهوم «بازی بزرگ» به‌عنوان چهارچوبی ساختاریافته برای تحلیل روندها و الگوهای ژئوپلیتیکی منطقه به‌کار گرفته می‌شود.

توسعه روابط در ژئوپلیتیک: به گسترش تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بین کشورها اطلاق می‌شود که تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، منابع طبیعی، قدرت نظامی و ایدئولوژی‌های سیاسی است (Flint, 2022: 13). این روابط می‌توانند به‌صورت پیمان‌های دوجانبه، اتحادهای منطقه‌ای یا کریدورهای ترانزیتی شکل بگیرند و جایگاه کشورها در نظام جهانی را تبیین کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۸: ۷۸). مسائلی چون هژمونی منطقه‌ای، رویکرد امنیتی، وزن ژئوپلیتیکی، پیمان‌ها، ائتلاف‌ها و همسایگی، بر تقویت یا تضعیف این روابط تأثیرگذارند.

در دهه‌های اخیر، ترکیه با بهره‌گیری از سازمان کشورهای ترک، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های انرژی (مانند خط لوله ترانس‌آناتولی) و همکاری‌های نظامی با قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان، نفوذ خود را در آسیای مرکزی گسترش داده است. این همکاری‌ها شامل آموزش نیروهای نظامی، فروش تجهیزات و رزمایش‌های مشترک است و در چهارچوب سیاست فعال خارجی آنکارا در منطقه اجرا می‌شود (Korkmaz, 2023: 46). همان، ۴۸).

توسعه روابط نظامی یکی از مهم‌ترین ابعاد تعامل ژئوپلیتیکی است که در قالب ائتلاف‌های دفاعی، فروش تسلیحات، آموزش نظامی، رزمایش‌های مشترک و ایجاد پایگاه‌ها شکل می‌گیرد. کشورها از این روابط برای افزایش توان بازدارندگی، تثبیت امنیت منطقه‌ای و پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی استفاده می‌کنند (Flint, 2022: 156).

جدول ۱: مصادیق توسعه روابط نظامی در کشورهای مختلف

ردیف	مصادیق توسعه روابط نظامی در کشورهای مختلف
۱	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) یکی از قوی‌ترین اتحادهای نظامی جهان است که شامل ۳۱ کشور عضو بوده و نقش مهمی در امنیت اروپا و آمریکای شمالی دارد.
۲	سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) ^۱ به رهبری روسیه شامل کشورهای ارمنستان، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان است و در برابر تهدیدات امنیتی منطقه‌ای فعالیت می‌کند.
۳	آمریکا بیش از ۷۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان دارد، از جمله در ژاپن، کره جنوبی، آلمان، ایتالیا و خاورمیانه. پایگاه‌های آمریکا در قطر و بحرین نقش مهمی در تأمین امنیت منطقه‌ای ایفا می‌کنند (مرادی، ۱۴۰۲: ۹۸).
۴	چین و پاکستان در توسعه جنگنده‌های CAC/PAC JF-17 Thunder همکاری داشته و این کشور یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحات پاکستان است (حسینی، ۱۴۰۱: ۹۲).



۳. چهارچوب نظری پژوهش

۳-۱. «راهبرد عمق استراتژیک به‌عنوان چهارچوب نظامی سیاست نظامی ترکیه»^۱

راهبرد عمق استراتژیک یکی از تأثیرگذارترین دکترین‌های ژئوپلیتیک معاصر است که توسط احمد داووداوغلو، اندیشمند و وزیر امور خارجه پیشین ترکیه، در سال ۲۰۰۱ مطرح شد. این دکترین بر این اصل استوار است که کشورهایی مانند ترکیه، با برخورداری از عمق تاریخی، فرهنگی، تمدنی و جغرافیایی در مناطق پیرامونی، باید نقشی فعال در مدیریت تحولات منطقه‌ای ایفا کنند.

اگرچه راهبرد «عمق استراتژیک» توسط احمد داووداوغلو در قالب یک دکترین سیاست خارجی جامع مطرح شد؛ اما ابعاد دفاعی و امنیتی آن در سال‌های اخیر به‌ویژه در آسیای مرکزی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری راهبرد نظامی ترکیه ایفا کرده است. این رویکرد، توسعه نفوذ نظامی ترکیه را در مناطق پیرامونی، به‌ویژه حوزه‌هایی با اشتراکات قومی یا استراتژیک مانند آسیای مرکزی، از طریق همکاری‌های دفاعی، صادرات تسلیحاتی و ائتلاف‌های امنیتی تسهیل می‌کند.

ترکیه در چهارچوب این راهبرد، با ایجاد بستری برای حضور نظامی غیرمستقیم و انتقال فناوری‌های دفاعی، سعی دارد جایگاه خود را به‌عنوان یک تأمین‌کننده امنیت جایگزین در آسیای مرکزی تثبیت کند. این رویکرد در تقابل با نقش سنتی روسیه و چین در منطقه قرار گرفته و به‌طور رو به رشدی، با اهداف دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه هم‌پوشانی یا تقابل ایجاد کرده است.

۱. هرچند عمق استراتژیک احمد داوداوغلو در ادبیات علمی به‌عنوان یک نظریه کلاسیک سیاست بین‌الملل طبقه‌بندی نمی‌شود؛ اما به‌عنوان یک دکترین یا راهبرد سیاست خارجی با پشتوانه مفهومی و تحلیلی، چهارچوبی برای تبیین سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه فراهم کرده است. از این رو، در این پژوهش از «راهبرد عمق استراتژیک» به‌عنوان چهارچوب مفهومی-تحلیلی بهره گرفته می‌شود تا نقش این راهبرد در توسعه روابط ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی و تبعات ژئوپلیتیکی آن برای ایران بررسی شود.

۲-۳. مفاهیم کلیدی راهبرد عمق استراتژیک

❖ ژئوپلیتیک چندبُعدی ترکیه

داوود اوغلو بر این باور است که ترکیه دارای ابعاد ژئوپلیتیکی متنوعی است که به آن امکان نقش‌آفرینی هم‌زمان در چندین منطقه را می‌دهد:

- ژئوپلیتیک بالکان (به‌دلیل نزدیکی به اروپا و میراث عثمانی)؛
- ژئوپلیتیک قفقاز و آسیای مرکزی (به‌واسطه روابط با کشورهای تُرک‌زبان)؛
- ژئوپلیتیک خاورمیانه (با بهره‌گیری از هویت اسلامی و پیوندهای فرهنگی)؛
- ژئوپلیتیک دریایی (به‌دلیل کنترل تنگه‌های بسفر و داردانل).

این چندبُعدی بودن، ترکیه را به یک قدرت منطقه‌ای چندوجهی بدل می‌کند که نیازمند سیاست خارجی فعال و متوازن است (Davutoglu, 2010: 54).

❖ استقلال از سیاست غرب‌محور

درحالی‌که سیاست خارجی ترکیه در گذشته عمدتاً به سمت اروپا و ایالات‌متحده متمرکز بود، داوود اوغلو بر لزوم استقلال و تبدیل شدن ترکیه به یک بازیگر تأثیرگذار در سطح جهانی تأکید می‌کند. این رویکرد شامل تقویت نفوذ در مناطقی چون آسیای مرکزی و خاورمیانه است.

❖ جایگاه آسیای مرکزی در راهبرد عمق استراتژیک

آسیای مرکزی در این دکترین به‌عنوان محور ژئوپلیتیکی کلیدی برای گسترش نفوذ ترکیه در جهان ترک تعریف شده است. اشتراکات تاریخی، زبانی و فرهنگی با کشورهای این منطقه، فرصتی برای ترکیه فراهم کرده تا با استفاده از ابزارهای اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی، جایگاه خود را در این حوزه مستحکم سازد.



۳-۳. نظریه بنیان‌های فرهنگی-تمدنی رفتارهای ژئوپلیتیکی

این نظریه بر این اصل استوار است که رفتار کشورها در محیط ژئوپلیتیکی، تنها با متغیرهای سخت‌افزاری تبیین نمی‌شود؛ بلکه ریشه در هویت فرهنگی، میراث تمدنی و تصورات تاریخی دارد. ایران در آسیای مرکزی نه تنها براساس ضرورت‌های امنیتی، بلکه بر مبنای درک از جایگاه تاریخی خود به عنوان پل تمدنی بین شرق و غرب عمل می‌کند. سیاست‌های آن بر اشتراکات زبانی، مذهبی و تاریخی استوار است (ملکی، ۱۴۰۲: ۱۰۶).

ترکیه نیز با تکیه بر میراث عثمانی و اشتراکات فرهنگی، سعی دارد قدرت نرم خود را به اهرمی برای رقابت ژئوپلیتیکی تبدیل کند (قنبری، ۱۴۰۱: ۹۲). این رویکرد نشان می‌دهد که رقابت ایران و ترکیه در آسیای مرکزی، نه فقط رقابتی بر سر انرژی و ترانزیت، بلکه نزاعی هویتی و تمدنی نیز هست.

به کارگیری این چهارچوب نظری نشان می‌دهد که راهبردهای دفاعی ایران در برابر گسترش نفوذ ترکیه، زمانی مؤثر خواهد بود که علاوه بر زیرساخت‌های سخت‌افزاری، بر تقویت پیوندهای فرهنگی-تمدنی و دیپلماسی نرم نیز تمرکز شود.

۴-۳. نظریه قلمروهای ژئوپلیتیک طبیعی و ادعایی

این نظریه تمایزی میان قلمرو طبیعی (مناطق با اهمیت جغرافیایی و منابع استراتژیک) و قلمرو ادعایی (مناطق با ارزش تاریخی و هویتی، حتی بدون کنترل واقعی) قائل می‌شود. در آسیای مرکزی، ترکیه با استناد به میراث عثمانی و اشتراکات فرهنگی، نفوذ خود را گسترش می‌دهد، درحالی‌که ایران با اتکا بر تاریخ، دین و فرهنگ، جایگاه خود را تثبیت می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۵؛ حسینی، ۱۴۰۰: ۲۴۱).

این چهارچوب به تحلیل رفتار کشورها در منازعات مرزی و منابع طبیعی کمک می‌کند، هرچند نقد اصلی آن، تمرکز بیش از حد بر ویژگی‌های طبیعی و تاریخی و نادیده گرفتن عوامل انسانی، اقتصادی و فناوری است.

۳-۵. نظریه ژئوپلیتیک پان ترکیسم

پان ترکیسم، نظریه‌ای ایدئولوژیک مبتنی بر اتحاد فرهنگی، زبانی و سیاسی کشورهای ترک‌زبان (ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان) است. جایگاه ایران در این نظریه مورد مناقشه است؛ برخی پان‌ترکیست‌ها آذری‌های ایران، ترکمن‌ها و قشقایی‌ها را بخشی از «جهان ترک» می‌دانند.

ایران این ایدئولوژی را تهدیدی برای تمامیت ارضی خود می‌داند و با روسیه و چین در مهار پان‌ترکیسم همکاری دارد (Dugin, 2018: 98).

۳-۶. «نظریه هم‌گرایی»^۱

این نظریه بر نزدیک‌شدن کشورها به سمت الگوهای مشترک اقتصادی و سیاسی تأکید دارد. ایران از دهه ۲۰۰۰ به بعد، سیاست هم‌گرایی استراتژیک با روسیه و چین را دنبال کرده است (عضویت در سازمان همکاری شانگهای). ترکیه نیز هم‌گرایی را در سطح جهانی (با غرب) و منطقه‌ای (با جهان ترک و اسلام) تجربه کرده است (Schmidt, 2012: 67).

۳-۷. نظریه واگرایی

واگرایی فرایندی است که طی آن کشورها سعی می‌کنند بدون هماهنگی با دیگران، منافع خود را دنبال کنند. ایران نمونه‌ای بارز از این رویکرد است که مسیری مستقل از جریان‌های جهانی دنبال می‌کند. این سیاست، هرچند استقلال را حفظ کرده، اما منجر به انزوای نسبی و فشارهای ژئوپلیتیکی شده است (Yilmaz, 2023: 101). ترکیه نیز در دهه اخیر با غرب واگرایی نسبی نشان داده است.



۳-۸. نقش قدرت نظامی در توسعه ژئوپلیتیکی کشورها

قدرت نظامی همچنان یکی از ابزارهای راهبردی کلیدی در فرایند توسعه ژئوپلیتیکی است. توانمندی‌های نظامی به کشورها امکان می‌دهد امنیت ملی را حفظ، جایگاه منطقه‌ای را تثبیت و در معادلات بین‌المللی نقش مؤثری ایفا کنند (محمدی، ۱۳۹۹: ۵۱). نمونه بارز، جنگ ۱۲ روزه اخیر بین ایران و رژیم صهیونیستی است که اهمیت توان دفاعی را به نمایش گذاشت.

۳-۹. منافع و اهداف نظامی ترکیه در آسیای مرکزی

- ❖ آموزش نظامی و رزمایش‌های مشترک؛
- ❖ صادرات و مونتاژ پهپادهای بیرق‌دار و آنکا؛
- ❖ پیشبرد ایده «ارتش توران»؛
- ❖ رقابت با روسیه و چین در بازار تسلیحات؛
- ❖ تقویت ظرفیت‌های دفاعی جمهوری‌ها از طریق انتقال دانش (ملکی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

۳-۱۰. منافع و اهداف نظامی ایران در آسیای مرکزی

- ❖ همکاری در مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و قاچاق؛
- ❖ افتتاح خط تولید پهپاد ابابیل-۲ در تاجیکستان؛
- ❖ صادرات تجهیزات بومی پس از لغو محدودیت‌های تسلیحاتی؛
- ❖ مشارکت در مانورهای مشترک دریای خزر (کاظمی، ۱۴۰۲: ۱۹۳).

۳-۱۱. تضاد منافع نظامی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی

ساختاری: ایران بر سازمان همکاری شانگهای و همکاری سه‌جانبه با روسیه و چین تأکید دارد؛ درحالی‌که ترکیه از طریق سازمان کشورهای ترک و همکاری غیرمستقیم با ناتو، سعی در ایجاد ساختار دفاعی جایگزین دارد (Williams, 2020: 202).

عملی: رقابت بر سر بازار تسلیحات و الگوهای همکاری نظامی منجر به بلوک‌بندی امنیتی شده است (رئیس‌نژاد و خان‌محمدی، ۱۴۰۳: ۱۶۶).

استراتژیک: حضور ترکیه در بحران‌های منطقه‌ای مانند قره‌باغ و پیشنهاد «ارتش واحد ترک»، به طور مستقیم با مواضع دفاعی ایران، روسیه و چین در منطقه در تقابل است (نشست تخصصی تحولات قفقاز، ۱۴۰۲). این واگرایی در سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای، همان‌گونه که رستمی (۱۳۹۸) نیز بر آن تأکید دارد، نشان‌دهنده تفاوت بنیادین در چشم‌اندازهای راهبردی دو کشور در قبال آسیای مرکزی است.

جدول ۲: تضاد منافع راهبرد ایران و ترکیه

موضوع	تضاد منافع	راهبرد ترکیه	راهبرد ایران
نوع همکاری نظامی	رقابت بر سر الگوی همکاری دفاعی در منطقه	اتحاد نظامی در چهارچوب سازمان کشورهای ترک و ناتو	امنیت منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات مشترک
کشورهای هدف	ایجاد بلوک‌های امنیتی مجزا در منطقه	قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان	تاجیکستان، ترکمنستان
فروش تسلیحات	رقابت در بازار تسلیحات منطقه	پهپادهای Bayraktar TB2 و تجهیزات ناتو	پهپادها و سامانه‌های دفاعی بومی
ماهیت همکاری	تضاد در نوع نفوذ نظامی	وابسته‌سازی کشورهای ترک‌زبان به صنایع نظامی ترکیه و ناتو	انتقال فناوری و تولید مشترک با کشورهای هم‌سو
ائتلاف‌های امنیتی	واگرایی در سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای	سازمان کشورهای ترک و ناتو	سازمان همکاری شانگهای و همکاری‌های دوجانبه

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی-توسعه‌ای است و از حیث روش، پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) است.



با توجه به تخصصی بودن موضوع و محدودیت در تعداد صاحب‌نظران واجد شرایط، جامعه آماری از خبرگان نیروهای مسلح، سازمان‌های دولتی، دانشگاه‌ها و نهادهای مرتبط تشکیل شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند (Purposeful) انجام گرفت. معیارهای انتخاب شامل: حداقل مدرک کارشناسی ارشد، آشنایی حرفه‌ای با ترکیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی، سابقه مسئولیت یا تجربه مرتبط، سوابق تألیف یا پژوهش در حوزه‌های مرتبط، و قابلیت دسترسی و مشارکت در مصاحبه یا پرسش‌نامه بود. حجم نهایی نمونه ۶۴ نفر تعیین گردید.

۴-۱. روش جمع‌آوری داده‌ها و ابزار آن

ابزارهای گردآوری داده دوگانه بودند:

اسنادی-کتابخانه‌ای: فیش‌برداری نظام‌مند از منابع فارسی، انگلیسی و ترکی برای استخراج چهارچوب مفهومی (ژئوپلیتیک، پان‌ترکیسم، هم‌گرایی-واگرایی و عمق راهبردی) میدانی: ۱. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان برای کشف مؤلفه‌ها، پالایش مفاهیم و تنقیح روابط میان سازه‌ها؛ ۲. پرسش‌نامه جهت سنجش اهمیت-شدت مؤلفه‌ها و اولویت‌گذاری راهبردی؛ گویه‌ها ابتدا از مؤلفه‌های «منافع نظامی ترکیه و ایران» و «نقاط تضاد منافع» استخراج و با نرم‌افزار MaxQDA کدگذاری-وزن‌دهی اولیه شدند.

۴-۲. تعیین روایی و پایایی داده‌ها

نسخه اولیه پرسش‌نامه در یک مطالعه پایلوت ۱۴ نفره نزد خبرگان مرتبط اجرا شد. برای ارزیابی روایی محتوایی از روش «لاوشه»^۱ و شاخص «نسبت روایی محتوا»^۲ استفاده گردید. براساس این روش، از خبرگان خواسته شد تا هر گویه را از منظر «ضرورت» در طیف

$$CVR = \frac{N_e - (\frac{N}{2})}{N/2}$$

1. Lawshe (1975)

2. Content validity ratio

سه گزینه‌ای «ضروری»، «مفید اما غیرضروری» و «غیرضروری» ارزیابی کنند. نسبت روایی محتوا هر گویه با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

که در آن N_e تعداد خبرگانی است که گویه را «ضروری» دانسته‌اند و N تعداد کل خبرگان (۱۴ نفر) است. با توجه به حجم نمونه، حداقل مقدار قابل قبول نسبت روایی محتوا برابر با ۰/۵۱ در نظر گرفته شد. گویه‌هایی که نسبت روایی محتوا آن‌ها کم‌تر از این آستانه بود یا بیش از سه «عدم تأیید» دریافت کرده بودند، حذف یا بازنویسی شدند. این فرایند ضمن تأمین روایی محتوایی، زمینه را برای دستیابی به پایایی مطلوب ابزار نیز فراهم آورد.

جدول ۳: نتایج اعتبارسنجی محتوایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب CVR

تعداد خبرگان	مقدار CVR	تعداد خبرگان	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴
۸	۰/۷۵	۱۴	۰/۵۱
۹	۰/۷۸	۱۵	۰/۴۹
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲

۳-۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

کدگذاری مضمون محور مصاحبه‌ها و هم‌نهادسازی یافته‌ها با داده‌های اسنادی، با اتکا به نرم‌افزار MAXQDA، به منظور استخراج مؤلفه‌های کلیدی و تدوین نقشه مفهومی تحقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در فرایند تحلیل آماری این رساله، داده‌های گردآوری شده در جداولی شامل شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، درصد تجمعی، میانگین و سایر شاخص‌های توصیفی سامان‌دهی گردیده‌اند تا تصویری دقیق از وضعیت متغیرهای تحقیق ارائه شود. پس از آن، برای سنجش اعتبار نتایج و بررسی آن، آزمون‌های آماری استنباطی اجرا شده و میزان سطح معناداری (p-value) برای هر گویه محاسبه گردید. در صورتی که مقدار سطح معناداری کم‌تر یا مساوی ۰/۰۵ باشد، نتیجه با سطح



اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفته و هر یک از گویه‌ها که با ضریب اعتمادپذیری ۹۵ درصدی محرز نشده، حذف شدند. در آخر، ۱۶ عامل شامل منافع و اهداف نظامی ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و تضاد منافع هر یک از آن‌ها حاصل گردید.

جدول ۴: داده‌های مرتبط با بُعد نظامی منافع ترکیه در جمهوری‌های آسیای مرکزی

منافع	درصد فراوانی					فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	خی ۲	سطح معناداری	نتیجه
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم						
مقابله با نفوذ نظامی روسیه، ایران و چین در منطقه	۳۴/۴	۵۱/۶	۱۲/۵	۱/۶	-	۳۳	۱۰۰	۴/۱۸۷۵	۳۸/۳۷۵	۰/۰۰۱	تأیید
راه‌اندازی مونتاژ پهپاد و خودروهای زرهی	۲۵	۴۲/۲	۲۹/۷	۳/۱	-	۲۷	۱۰۰	۳/۸۹۰۶	۲۰/۳۷۵	۰/۰۰۱	تأیید
ایده تأسیس ارتش توران (یک بلوک نظامی شامل کشورهای تَرک)	۴۰/۶	۳۹/۱	۱۷/۲	۳/۱	-	۲۶	۱۰۰	۴/۱۷۱۹	۲۵/۱۲۵	۰/۰۰۱	تأیید
میانجی‌گری در مناقشات منطقه‌ای	۴۳/۸	۴۰/۶	۱۴/۱	۱/۶	-	۲۸	۱۰۰	۴/۲۶۵۶	۳۲/۳۷۵	۰/۰۰۱	تأیید
همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی	۲۹/۷	۵۰	۱۷/۲	۳/۱	-	۳۲	۱۰۰	۴/۰۶۲۵	۳۰/۳۷۵	۰/۰۰۱	تأیید

راهبرد ترکیه در آسیای مرکزی بر تثبیت جایگاهش به‌عنوان قدرت منطقه‌ای و سپر جمهوری‌های تَرک‌زبان در برابر نفوذ نظامی روسیه، ایران و چین استوار است؛ تحلیلی با ضریب اطمینان ۹۵٪ این جهت‌گیری را تأیید می‌کند. در سطح سخت‌افزاری، راه‌اندازی

خطوط مونتاژ پهناد و خودروهایی زرهی در کشورهای منطقه برای انتقال فناوری و کاهش وابستگی نظامی به قدرت‌های خارجی دنبال می‌شود. در سطح سازوکاری، ایده «ارتش توران» به منزله بلوک دفاع جمعی ترک‌زبان، بستر رهبری نظامی-سیاسی ترکیه و ارتقای بازدارندگی مشترک است. هم‌زمان، آنکارا با میانجی‌گری در مناقشات، نقش خود را در حل بحران‌ها تثبیت کرده و دامنه نفوذ سیاسی و اقتصادی‌اش را گسترش می‌دهد. همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی، از تبادل داده تا آموزش نیرو و رزمایش مشترک، توان دفاعی منطقه را بالا برده و محیطی باثبات‌تر می‌سازد. حاصل این بسته سیاستی، تأمین منافع ملی ترکیه همراه با افزایش ثبات و امنیت منطقه است. این جمع‌بندی با الگوی فراوانی پاسخ‌ها در جدول (۴)، نیز هم‌خوان است.

۵. منافع نظامی ایران در جمهوری‌های آسیای مرکزی

جدول ۵: داده‌های مرتبط با بُعد نظامی منافع ایران در جمهوری‌های آسیای مرکزی

منافع	درصد فراوانی				فراوانی	میانگین	خی ۲	سطح معناداری	نتیجه
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
همکاری امنیتی و اطلاعاتی	۱۴/۱	۴۵/۳	۲۹/۷	۹/۴	۱/۶	۳/۶۰۹۴	۳۹/۱۲۵	۰/۰۰۱	تأیید
همکاری در مقابله با گروه‌های تروریستی	۱۷/۲	۳۷/۵	۳۹/۱	۶/۳	-	۳/۶۵۶۲	۱۹/۶۲۵	۰/۰۰۱	تأیید
ایجاد خط تولید و صادرات تجهیزات نظامی	۷/۸	۵۰	۲۹/۷	۱۰/۹	۱/۶	۳/۵۱۵۶	۵۰/۰۶۳	۰/۰۰۱	تأیید
همکاری نظامی در سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان	۱۷/۲	۴۵/۳	۲۱/۹	۱۴/۱	۱/۶	۳/۶۲۵۰	۳۲/۸۷۵	۰/۰۰۱	تأیید



منافع	درصد فراوانی				فراوانی	میانگین	خی ۲	سطح معناداری	نتیجه
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
همکاری شانگهای									
کنترل مسیرهای ترانزیتی از منظر امنیتی و جلوگیری از قاچاق	۳۱/۳	۴۲/۲	۲۱/۹	۴/۷	-	۲۷	۴/۰۰۰	۱۹/۳۷۵	۰/۰۰۱ تأیید
برگزاری مانورهای مشترک دریایی و مرزبانی	۲۱/۹	۴۲/۲	۲۶/۶	۹/۴	-	۲۷	۳/۷۶۵۶	۱۴/۱۲۵	۰/۰۰۳ تأیید

راهبرد امنیتی-نظامی ایران بر همکاری اطلاعاتی و امنیتی با همسایگان، مقابله مشترک با تروریسم و کنترل مسیرهای ترانزیتی برای مهار قاچاق تکیه دارد؛ تحلیل داده‌ها با ضریب اطمینان ۹۵٪ این اثرگذاری را تأیید می‌کند. ایران با تبادل اطلاعات، عملیات و مانورهای مشترک دریایی و مرزبانی، هم اعتمادسازی می‌کند و هم توان دفاعی منطقه را بالا می‌برد. در سطح توان‌بخشی سخت، ایجاد خط تولید و فروش تجهیزات نظامی پیگیری می‌شود که کارکردی هم‌زمان امنیتی و اقتصادی دارد و جایگاه ایران را در بازار نظامی منطقه تقویت می‌کند. درعین حال، تفاوت‌های معنادار با رویکرد ترکیه، ازجمله اتکای ایران به همکاری‌های چندجانبه در سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان همکاری شانگهای و الگوهای متفاوت فروش تسلیحات دیده می‌شود. این جمع‌بندی با شواهد پیمایشی گزارش شده در جدول (۵)، هم‌خوان است.

۶. بُعد نظامی تضاد منافع ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در جمهوری‌های آسیای مرکزی

جدول ۶: داده‌های مرتبط با بُعد نظامی تضاد منافع ترکیه و جمهوری اسلامی ایران در

جمهوری‌های آسیای مرکزی

منافع	درصد فراوانی				فراوانی	میانگین	خی ۲	سطح معناداری	نتیجه
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم				
حمایت ترکیه از ناتو در آسیای مرکزی، در تضاد با سیاست‌های ایران	۲۹/۷	۴۲/۲	۲۳/۴	۴/۷	-	۲۷	۳/۹۶۸۷	۱۸/۷۵۰	تأیید
اقدام ترکیه در تقویت اتحاد نظامی در چهارچوب سازمان کشورهای ترک	۳۹/۱	۴۰/۶	۱۸/۸	۱/۶	-	۲۶	۴/۱۷۱۹	۲۶/۳۷۵	تأیید
حضور مستقیم و ائتلاف‌های امنیتی و نظامی ترکیه در رقابت با ایران	۲۱/۹	۴۸/۴	۲۵	۴/۷	-	۳۱	۳/۸۷۵۰	۲۴/۸۷۵	تأیید
رقابت در فروش تسلیحات و فناوری نظامی به کشورهای آسیای مرکزی.	۲۳/۴	۴۰/۶	۲۸/۱	۶/۳	۱/۶	۲۶	۳/۷۸۱۲	۳۳/۰۳۱	تأیید

تضاد منافع نظامی ایران و ترکیه چندبُعدی و پایدار است. حمایت ترکیه از ناتو در آسیای مرکزی و تقویت اتحادهای نظامی در چهارچوب سازمان کشورهای ترک با رویکرد تهران تعارض بنیادین دارد؛ هم‌زمان، حضور مستقیم و ائتلاف‌های امنیتی-نظامی آنکارا در قفقاز و



آسیای مرکزی و نیز رقابت در فروش تسلیحات و فناوری نظامی به کشورهای آسیای مرکزی رقابت ژئوپلیتیکی را تشدید می‌کند و احتمال تنش‌های میدانی و سیاسی را بالا می‌برد. پیامد طبیعی برای ایران، بازنگری در راهبردهای دفاعی و تلاش برای حفظ-تقویت بازدارندگی به‌منظور صیانت از منافع و نفوذ منطقه‌ای است.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

توسعه روابط نظامی ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی برای سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارای ابعاد دوگانه‌ای است که هرچند برخی آثار مثبت فرعی به‌همراه دارد، اما درمجموع ماهیتی چالش‌زا و تهدیدمحور یافته است. در بُعد مثبت، افزایش تعاملات نظامی و امنیتی در آسیای مرکزی می‌تواند به ارتقای ثبات عمومی منطقه، کنترل نسبی تهدیدات مشترکی مانند تروریسم و افراط‌گرایی، و کاهش بی‌ثباتی‌های ناشی از خلأ قدرت کمک کند؛ ثباتی که به‌صورت غیرمستقیم می‌تواند منافع امنیتی ایران در پیرامون شمال‌شرقی را نیز تقویت نماید. همچنین، رشد صنایع دفاعی ترکیه و رقابت فناورانه آن، انگیزه‌ای برای شتاب‌بخشی به خودکفایی دفاعی و توسعه فناوری‌های بومی ایران ایجاد می‌کند.

اما در سوی دیگر، پیامدهای منفی این روند بسیار عمیق‌تر و ساختاری‌تر است. ترکیه با اتکا به پیوندهای قومی و زبانی، تلاش دارد جمهوری‌های آسیای مرکزی را در مدار امنیتی خود و ناتو قرار دهد؛ امری که به‌تدریج موجب کاهش عمق ژئوپلیتیکی و نفوذ اطلاعاتی ایران در منطقه می‌شود. تشکیل احتمالی «بلوک نظامی ترک‌زبانان» و طرح «ارتش توران» می‌تواند در عمل به ایجاد سپر امنیتی غرب‌گرا در حاشیه شمالی ایران بینجامد و تعادل ژئوپلیتیکی منطقه را به ضرر تهران تغییر دهد. رقابت در حوزه فروش تسلیحات، آموزش نظامی و رزمایش‌های مشترک نیز زمینه را برای حاشیه‌نشینی تدریجی ایران در ساختارهای امنیتی منطقه‌ای فراهم می‌سازد.

افزون بر این، حضور فعال ترکیه در نهادهای دفاعی آسیای مرکزی با پشتیبانی ناتو، احتمال نفوذ راهبردی غرب در مجاورت مرزهای ایران را افزایش داده و تهران را وادار به

بازنگری در دکترین دفاعی شمال شرقی خود می‌کند. این وضعیت می‌تواند فشار مضاعفی بر منابع دفاعی ایران وارد کرده و در صورت تداوم، به رقابت تسلیحاتی پنهان میان دو کشور بینجامد. در مجموع، هرچند گسترش حضور نظامی ترکیه ممکن است به ثبات نسبی منطقه و ارتقای بازدارندگی جمعی کمک کند، اما از دیدگاه ژئوپلیتیکی، این روند در بلندمدت تهدیدی جدی برای حوزه نفوذ، موازنه قدرت و ابتکار عمل امنیتی ایران در آسیای مرکزی تلقی می‌شود.

۷-۱. پیشنهادهای پژوهش

❖ پیشنهادهای اجرایی

توسعه همکاری‌های دفاعی دوجانبه و چندجانبه با جمهوری‌های آسیای مرکزی در محورهای آموزش نظامی، مقابله با تروریسم، امنیت مرزی و تبادل تجربیات عملیاتی به‌منظور تقویت هم‌گرایی امنیتی منطقه‌ای.

فعال‌سازی دیپلماسی نظامی ایران از طریق فروش، انتقال و بومی‌سازی فناوری‌های دفاعی پیشرفته نظیر پهپادها، سامانه‌های مراقبتی و راداری برای کشورهای هم‌سو به‌منظور حفظ موازنه تسلیحاتی در برابر ترکیه.

ایجاد چهارچوب همکاری امنیتی تحت عنوان «ابتکار صلح و ثبات آسیای مرکزی» با مشارکت ایران و کشورهای منطقه برای مقابله با تهدیدات مشترک و جلوگیری از نفوذ ساختارهای نظامی وابسته به ناتو.

برگزاری رزمایش‌ها و مانورهای مشترک آموزشی و امدادی به‌ویژه در حوزه‌های ضدتروریسم، دفاع سایبری و واکنش سریع، جهت افزایش هماهنگی عملیاتی و اعتماد متقابل نیروهای مسلح منطقه.

ایجاد مراکز مشترک آموزش و تحلیل اطلاعات نظامی در کشورهای هم‌سو مانند تاجیکستان و ترکمنستان برای رصد تحرکات قدرت‌های خارجی و ارتقای توان مقابله با تهدیدات ترکیبی و فراملی.



گسترش همکاری‌های صنعتی-دفاعی در قالب سازمان همکاری شانگهای با تمرکز بر تولید مشترک تجهیزات سبک، پهپاد و سامانه‌های دفاعی، با هدف تحکیم نقش ایران به عنوان شریک امنیتی قابل اعتماد.

توسعه شبکه ارتباطات راهبردی میان ستاد کل نیروهای مسلح ایران و نهادهای دفاعی آسیای مرکزی به منظور هماهنگی در مدیریت بحران‌های مرزی، امنیت انرژی و حفاظت از مسیرهای ترانزیتی حیاتی.

❖ پیشنهادهای تحقیقی

ارزیابی کارآمدی سازوکارهای دفاعی-امنیتی منطقه‌ای (نظیر سازمان همکاری شانگهای) در موازنه‌سازی در برابر نفوذ ناتو و ترکیه در آسیای مرکزی.

بررسی تطبیقی دکترین دفاعی ایران و ترکیه در محیط ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی با تأکید بر اثرگذاری آن بر ثبات منطقه‌ای و رقابت راهبردی دو کشور.

تحلیل نقش قدرت‌های بزرگ (روسیه و چین) در شکل‌دهی به موازنه امنیتی میان ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و پیامدهای آن برای سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران.

فهرست منابع

- استوار، مجید؛ مرادی، سید مهدی؛ استوار، مجتبی (۱۳۹۹). نقش قدرت نمادین در روابط خارجی ترکیه و آسیای مرکزی. مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، ۳(۱)، ۲۳۸-۲۱۷.
- امینی ضیابری، سید کاظم (۲۰۲۵/۱۴۰۴). تدوین راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران متناسب با تبعات ژئوپلیتیکی توسعه روابط ترکیه با جمهوریهای آسیای مرکزی، رساله دکتری. دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۴۰۱). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (چاپ چهارم). مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۸). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک. تهران: سمت.
- داووداوغلو، احمد (۱۳۹۱). عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین المللی (نوحی نژاد ممقانی، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- رستمی، علیرضا (۱۳۹۸). تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال ترکیه براساس عوامل ژئوپلیتیکی. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۷۲(۲)، ۱۱۲-۸۹.
- رضایی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی دیپلماسی عمومی ترکیه در آسیای مرکزی. پژوهش های سیاست خارجی، ۱۶(۲)، ۳۵-۲۰.
- گودرزی، مهناز (۱۳۹۶). سیاست خارجی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی (امکان سنجی روابط راهبردی دو کشور بر مبنای مدلی تطبیقی). پژوهش نامه مطالعات روابط بین الملل، ۲۱، ۱۸۴-۱۶۵.
- فرهادی، محمد (۱۴۰۱). واکاوی طرح های اقتصادی ترکیه در آسیای مرکزی از منظر فرصت ها و تهدیدات برای ایران. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۷(۱۱۶)، ۹۶-۶۹.
- کاظمی، سعید (۱۴۰۲). ایران و تحریم های بین المللی: راهبردهای مقابله. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۹۳). مقدمه ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش) (چاپ ششم). تهران: جهاد دانشگاهی.



کاویانی فر، پیمان (۱۴۰۱). *ایران و ترکیه در مجموعه امنیتی آسیای مرکزی*. فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی، ۳۰۴.

مرادیان، محسن؛ صفوی، سید یحیی؛ حاتمی، حمیدرضا؛ یزدانی، حسن (۱۳۹۵). *مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر روابط دفاعی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران با کشور ترکیه*. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۴(۶۶)، ۱۶۰-۱۳۶.

نوری، علی (۱۴۰۱). *راهبرد دفاعی و امنیت ملی در عصر ژئوپلیتیک نوین*. تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.

References

- Balci, B. (2014). *Turkey's relations with Central Asia: New dimensions of Turkish foreign policy*. Routledge.
- Cooley, A. (2012). *Great games, local rules: The new great power contest in Central Asia*. Oxford University Press.
- Davutoğlu, A. (2010). *Strategic depth: Turkey's international position*. Kure Publishing.
- Flint, C. (2022). *Geopolitics and power: Understanding global politics*. Oxford University Press.
- Korkut, H. (2016). *Turkey's cultural diplomacy in Central Asia*. Insight Turkey, 18(3), 95–108.
- Schmidt, V. A. (2012). *The futures of European capitalism*. Oxford University Press.
- Sönmez, G., & Batu, G. (2024). *Defense cooperation between Turkey and Central Asian republics: Limitations and perspectives*. Defense and Security Analysis, 45.
- Stronski, P. (2022). *China and Russia in Central Asia: The great power competition continues*. Carnegie Endowment for International Peace.
- Williams, T. (2020). *NATO and regional defense alliances*. Strategic Studies Institute. www.bosphorus.edu.tr